



بازگشت اوشین

■ **سریال اوشین که در ایران با نام «سال‌های دور از خانه» به خاطره جمعی بسیاری از ایرانیان و حتی مردم جهان گره خورده، این روزها دوباره راهی آنتن شبکه تماشا شده است**

حسینیه ایرانی برای قیام جهانی

■ **در گفت‌وگو با تهیه‌کننده و مجری برنامه «حسینیه معلی» به ضرورت بازنمایی آیین‌های سوگواری حسینی در شهرهای مختلف کشور و در میان اقوام مختلف ایران پرداخته‌ایم**

۸۱۰۰

یادگار کدام جنوب؟

■ **دومین فیلم حسین امیری و پدرام پورامیری در حالی راهی اکران شده که روایتی چند لایه از موضوعات اجتماعی را گرد هم آورده اما در رساندن آنها به نتیجه عاجز است**

۶۱۰۰

مادران موفق به روایت مهربانو

■ **مجموعه مستند شبکه تهران زندگی مادران موفق را به تصویر می‌کشد که با تلاش خود توانسته‌اند بخش مهمی از جامعه را مدیریت کنند**



قیام مصاحبه

۶۱۰۰



خطبه‌های بیدارگر

■ **خطبه‌های زینبی نشان می‌دهد ایشان چگونه با بهره‌گیری از اسلوب‌های بیانی متفاوت توانست دستگاه جور و ستم را رسوا کند**

۱۱۰۰

📌 نگاه

ملت بدون تاریخ محکوم به اشتباه است



روح‌الله‌ایمان
علوی،تهرانی

امام (ع) در منزلگاه بیضه خطبه‌ای خواندند که هر مسلمانی با سلطان ستمگری مواجه شود که با سنت پیغمبر(ص) به مخالفت برمی‌خیزد اما در مقابل چنین حاکمی با عمل یا با گفتار اظهار مخالفت نکند، سزاوار است که خدا او را به دوزخ داخل کند. آگاه باشید بنی‌امیه پیروی از شیطان را بر خود لازم شمرده‌اند. اگر بر پیمان خود باقی باشید، به سعادت و ارزش انسانی خود دست یافته‌اید. امام (ع) در اینجا به این حقیقت مهم اشاره می‌کنند که: اسلام، نماز و روزه نیست؛ بلکه همراهی با حجت خداست. در منزلگاه عید الپجانات هم چهار نفر به امام (ع) ملحق می‌شوند که طرماح بن عدی راهنمای آنها بود. امام (ع) از کوفه سؤال کردند. طرماح گفت: مردم قلبا به شما ارادت دارند اما شمشیر آنها علیه شما است. اینجا دیگر حجت بر امام(ع) تمام می‌شود که مردم کوفه به هم ریخته‌اند. طرماح به امام (ع) عرض کرد: کشته شدن شما قطعی است. بیا باید به کوه بنی طی برویم. ۲۰ هزار نفر طائی را برای جنگ خدمت شما می‌آورم. امام (ع) فرمودند: با اصحاب حر پیمانی بسته‌ایم، نمی‌توانیم از آن بازگردیم و نمی‌توانیم از اینجا حرکت کنیم.

درباره منزلگاه رهیمة هم امام (ع) با شخصی به نام ابوهرم کوفی مواجه شدند. ابوهرم سؤال کرد: چرا مدینه را ترک کردید؟ حضرت فرمودند: آنها قصد ریختن خونم را داشتند. در منزلگاه قصر بنی‌مقاتل یک خیمه‌ای بود. امام(ع) پرسیدند: برای چه کسی است؟ گفتند: برای عبید... بن حر جعفی. عبید... بن حر از دوستداران عثمان است؛ که راهنم بوده است. امام حسین (ع) به خیمه او رفتند و به او فرمودند: در گذشته خطا بسیار کرده‌ای، آیا نمی‌خواهی بازگردی و من را یاری کنی؟ گفت: نفس من به مرگ راضی نیست؛ ولی این اسب من را بگیر! به خدا قسم هیچ سواری با آن در طلب چیزی نرفته، مگر این که به آن رسیده. امام (ع) از او رو برگرداندند و فرمودند: نه حاجت به تو دارم و نه به اسب تو.

در همین منزلگاه، عمرو بن قیس مشرقی همراه پسرعموی خود، خدمت امام رسیدند. عموزاده‌اش به امام(ع) گفت: سباهی در محاسن شما از خطاب است؟ حضرت فرمودند: از خطاب است. آیا برای یاری من آمده‌اید؟ عمرو گفت: عائله زبادی دارم و مال بسیاری از مردم نزد من است. پسرعموی عمرو نیز همین پاسخ را داد. امام(ع) فرمودند: پس از اینجا بروید! تا فریاد ما را نشنوید و ما را نبینید. هر کس صدای ما را بشنود یا ما را ببیند و اجابت نکند، خداوند او را با بینی در آتش می‌افکند. امام امر کردند که شبانه حرکت کنند. عقیه بن سمعان می‌گوید: امام(ع) یک لحظه خواب‌شان برد. وقتی از خواب بلند شدند، مکرر آیه استرجاع را تلاوت می‌فرمودند. حضرت علی‌اکبر(ع) علت را جویا شدند. حضرت فرمودند: در عالم رؤیا هاتف غیبی می‌گفت: این قوم شبانگاه در حرکت است و مرگ به استقبال آنها می‌آید. حضرت علی‌اکبر(ع) فرمودند: آیا ما برحق نیستیم؟ امام(ع) فرمودند: ما برحق هستیم. حضرت علی‌اکبر(ع) عرض کرد: پس ما را از مرگ باکی نیست.

در زمینه منزلگاه قلعطانه، نامه عبید... به حر رسید. نوشته بود: قافله حسین (ع) را در یک سرزمین بی‌آب و علف بیر و بر حسین(ع) سخت بگیر! امام(ع) فرمودند: تصمیم تو چیست؟ گفت: یک وادی هست و من مجبور هستم شما را آنجا ببرم. اسم آن وادی کربلا است. امام(ع) تا این اسم را شنیدند، فرمودند: خدایا! پناه می‌برم به تو از کرب و بلاء. امام(ع) در روز پنجشنبه دوم محرم سال ۶۱ هجری وارد کربلا شدند و بعد روزه خواندند؛ در همین جافرواد آید! اینجا مکان ریختن خون ما و محل قبرهای ما است. جدم به من چنین خبر داده است.

📌 زاویه دید

تأملی در شعر نو مذهبی با خوانش کتاب «شبیّه» سروده علی داودی

فخر من همین که تو قبله منی!



حسنا محمدزاده
شاعر و پژوهشگر

نگاهی گذرا به سیر تطور و تحول ادبیات منظوم فارسی و تولد جریان شعری به نام «شعر نو» گواهی می‌دهد که بازتاب مفاهیم مذهبی در قالب شعر نو آن قدر کمرنگ است که نمی‌توان از نام‌های متعدد و از آثار متنوعی در این زمینه یاد کرد، حتی

شاعرانی که بسیار در قالب‌های نو طبع آزمایی کرده‌اند، موقع

بازتاب مفاهیم دینی و مذهبی در شعر، بیشتر به سمت قالب‌های سنتی و فضای موزون و مقفای آن می‌روند و کمتر کسی جسارت خط‌شکنی در ژانر مذهبی و عرضه الگوهای نوین در این عرصه را دارد.

📌 **استفاده از ظرفیت‌های قالب شعری**

«علی داودی» در کتاب «شبیّه» ۶۳ قطعه شعر عاشورایی را در قالب نیمایی و با نگاهی نو عرضه کرده است. یکی از ویژگی‌های اشعار کتاب که آنها را با وجود مستقل بودن، به بندهایی از یک شعر بلند شبیه کرده، رعایت وحدت عروضی است، به‌طوری‌که تمام شعرها در یک وزن متحدالاکان با سطرهایی کوتاه و بلند سروده شده‌اند. با وجود این‌که قالب اشعار نیمایی است و شاعر محدودیتی در بار بردن قافیه ندارد، تقریباً در تمام اشعار برای غنای موسیقایی، علاوه بر قافیه از سایر تناسبات آوایی هم استفاده کرده است.

📌 **برگ برنده کتاب**

از منظر نگارنده برگ برنده کتاب «شبیّه» که آن را به اثری قابل توجه در حوزه شعر نو مذهبی بدل ساخته، این است که شاعر به واقعه کربلا، صرفاً با نگاه تاریخی و در بازه زمانی ۱۰روزه ابتدای ماه محرم سال ۶۱ هجری قمری نپرداخته، بلکه با نگاهی گسترده‌تر از محدوده تاریخ و جغرافیا، این رویداد را در قامت واقع‌ای زنده در تمام عصرها و نسل‌ها به تماشا گذاشته، چنانچه در شعری به این مسأله اشاره کرده و روایت عاشورا را از زبان دوروی متفاوت شنیده است: «راوی نخست» که در کربلای سال ۶۱ ساکن است و «راوی درست» که کربلای ۶۱ را به عصر حاضر آورده است: «راوی نخست: / تشنه‌ای و دشنه‌ای... / این خلاصه هر آنچه بود/ راوی درست: / می‌وزد هنوز رود رود / از گلولی او سرود» (ص ۱۵).

آسیب جدی شعرهای عاشورایی، فقدان منظر جدید در

روایت واقعه عاشوراست. این آسیب تقریباً در شعرهای مذهبی تمامی دوره‌ها دیده می‌شود و درست به همین خاطر است که شعرهای مذهبی انگشت‌شماری توانسته‌اند به خاطر داشتن نگاهی دیگرگونه به موضوعی واحد، از حصار قرن‌ها بگذرند و ماندگار شوند، اما مهم‌تر از ماندگاری شعر برای آیندگان، این مسأله است که پرداختن به «روایت درست» در کنار «روایت نخست»، به این نتیجه منتهی خواهد شد که شعر لاقال در روزگار خودش، حاوی پیام حماسه عاشورا باشد و صرفاً به قصد انگیزش عاطفی و هیجانی مخاطب سروده نشده باشد. پرداختن صرف به بُعد عاطفی واقعه، یکی از دلایلی است که بسیاری از شعرهای سروده‌شده در این نوع ادبی، نتوانسته‌اند جریان‌ی ایجاد کنند و دارای متد خاصی باشند؛ شاید به همین دلیل است که شاعر کتاب شبیه، کوشیده بیشتر به «روایت درست» عاشورا بپردازد. مثلاً از گفت‌وگویی مذاکره‌وار میان «تیغ و سر»، «تازیانه و شانه» و «نیزه و جگر» حکایت می‌کند تا بگوید گفت‌وگویی بین حق و باطل در قالب مذاکره‌ها همچنان ادامه دارد و همچنان ادامه خواهد داشت:

📌 **من شخصی و من جمعی**

ابزار کار شاعر فقط کلمات و فنون ادبی نیست. شاعر به بینشی متعالی نیاز دارد تا بتواند بیرون واقعه‌ای عظیم چون عاشورا بایستد و آن واقعه را از چشم انسانی که هزار یا هزاران سال بعد از آن زندگی می‌کند، همچنان زنده ببیند و بتواند درک کند که هر کدام از ما که امروز سرگرم روزمرگی‌های متنوع هستیم، ممکن است در روز معرکه‌ای دیگر باشیم و در صف باطلی دیگر؛

از این رو شاعر قبل از سرزنش دیگران، دلی خودش را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن را به پرچم مرددی تشبیه می‌کند که در هوای «هر چه باداباد» به اهتزاز درآمده و هر ساعت به سمتی می‌چرخد یا آن رافلکی می‌داند که سکه‌های دینش را صرف قسط و وام کرده، اما مخاطب می‌فهمد که در این‌گونه موارد شاعر با «من شخصی» خود به گفت‌وگو نشسته، بلکه خطابش به «من جمعی» است؛

«ای دل مذبذب همیشگی / پرچم مرددی که در هوای «هر چه باداباد» بوده‌ای / هر دمی / قبله رو به جبهه‌ای جدید سوده‌ای...» (ص ۱۲۵).

و:

«قلک حقیر سینه راشکسته‌ام / سکه سکه / دین من / صرف قسط واد شدم‌ام / دل ولی گرسنه مانده باز در هوای شام» (ص ۱۰۹).

ایجاد بل ارتباطی بین دو زمان (از امروز به سال ۶۱ هجری) ویژگی پاره‌های مختلفی از این کتاب است و هر چیزی ممکن است باعث تداعی واقعه عاشورا و جوانیش، در ذهن شاعر باشد، حتی چکه‌کردن شیرآب حسینیّه:

«شیر آب / چکه می‌کند / قلب اهل روضه را / تکه / تکه / می‌کند» (ص ۱۱).

راوی کتاب شبیه در کنار تمام اینها، «راوی نخست» واقعه هم بوده، اما کوشیده با نگاهی جدید به واقعه بنگرد. مثلاً

داستان حرمله و تیرسه شعبه‌اش را متفاوت از تمام گفته‌ها و

شنیده‌ها، این‌گونه روایت کرده است:

«حرمله / این شقاوت و حقارت و جنون / این سیاه مرگ

واژگون / در مقابل صراحت گلولی تو / چه بود؟ / ترس و ترس

و ترس / این سه‌شعبه زبون به» (ص ۱۰۵).

در راستای همین «روایت نخست» داودی کوشیده

شخصیت‌های غریب‌تر کربلا را هم بی‌نصیب نگذارد و به

کسانی چون غلام امام حسین (ع)، هانی و زهیر بن قین هم بپردازد:

«فخر من همین که تو / قبله منی / من ز تیره توام یکی غلام و والاسلام / سربلند از سباهی خودم / مثل پرده‌های

مسجد الحرام» (ص ۱۲۹).

📌 **دور از شعارزدگی**

یکی دیگر از جاذبه‌های نیمایی کتاب «شبیّه» زبان تصویری و غیرمستقیم شاعر است. اغلب شاعرانی که مفاهیم مذهبی در آثارشان بازتاب داشته، همواره زبانی صریح و شعارزده را برای جسمیت‌بخشیدن به روح هیجانی اثر خود انتخاب کرده‌اند اما داودی کوشیده در قامت شعر نو و تا آنجا که به حس و محتوای اثرش لطمه‌ای وارد نشود، به تصویری‌ترین شکل ممکن مخاطب را با خود همراه کند و او را از رهگذر ابیاهام‌ها، تشبیه‌ها و استعاره‌های گوناگون به سمت درک واقعیت‌هایی گفتنی و شنیدنی ببرد:

«حال و روز ما بدون روضه‌ات / حکایت

جنازه‌ای است... / یاد تو / در کسالت عروق روزمره / خون تازه‌ای است» (ص ۲۱).

حال و روز انسان امروز را به شکل جنازه‌ای تصور کردن و یاد امام حسین (ع) را بسان خونی درگرمی‌های روزمرگی روان کردن، فقط از ذهنی تصویرگرایی آید؛ ذهنی که می‌خواهد با زبانی نو بگوید: «ما به یاد و عشق حسین علیه‌السلام زنده‌ایم».

در کنار اینها، حضور «ابیاهام» به عنوان یکی از مهم‌ترین تمهیدات بیانی در کتاب «شبیّه» پررنگ است و توجه شاعر به کارکردهای متعدد معنایی کلمات و توجه به اشارات پنهان آنها به لایه‌دار شدن شعر و عمق بخشی به آن کمک کرده

است؛ مثلاً در قطعه «القیام» می‌خوانیم:

«روی تخته‌سیاه / خط تو / درس انتخاب بود / ذهن کودکانم ولی / هنوز هم به فکر «آب» بود» (ص ۱۹).

ابیاهم در واژه «خط» که هم به عنوان «دستخط» و هم به عنوان «راه امام حسین (ع)» شناخته می‌شود و ابیاهم تبادر در «آب» که بخشی از الفباست، اما «آب» و به دنبال آن «عطش» را به ذهن متبادر می‌کند، به عمق شعر و حرکت آن به سمت چندمعنایی کمک کرده است. در ظاهر روی تخته‌سیاه، دستخطی را می‌بینیم و کودکی را که با دیدن «آ» و «ب» یاد «آب» می‌افتد، در عین حال می‌توان پشت پرده همین کلمات، «جهان» را «تخته‌سیاهی» دید که راه امام حسین (ع) در آن مانند نوشته‌ای سبید می‌درخشد و هر که با دل وذهنی کودکانه و زلال به آن بنگرد، درس انتخاب بین حق و باطل را به خوبی خواهد آموخت. تسلط بر زبان، دست‌ورزی با فنون و تمهیدات ادبی گوناگون، داشتن نگاه نو، وسعت زاویه دید و تسلط بر موضوع «شبیّه» را به اثری قابل توجه در حوزه شعر نو مذهبی تبدیل کرده است.

